

نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی

The mediating role of self-control in the relationship between God-awareness and wisdom

Farzaneh Kachoui
Jafar Houshyari (corresponding author)

فرزانه کچوئی^۱
جعفر هوشیاری^۲

Abstract

Currently, wisdom is one of the concepts and variables of interest in Islamic and psychology researches. The present study was conducted with the aim of investigating the mediating role of self-control in the relationship between God-awareness and wisdom. The research method was descriptive and correlational, and the statistical population of this research consisted of men and women over 18 years old in Tehran in 2019. Among the statistical population, 197 people were selected by random sampling. To collect the data of the research, three-dimensional questionnaire of wisdom Ardelet (2003), God-Awareness Questionnaire of Noor Alizadeh (2013) and self-control scale of Rafiei Honar (2013) were used. The relationship between variables was investigated using correlation coefficient and linear regression. Baron and Kenny's method was used to investigate the mediating role of self-control. The findings of the research showed: a) There is a positive and meaningful relationship between wisdom and dimensions of God-awareness, except for the dimension of seeking God; b) There is a positive and meaningful relationship between wisdom and dimensions of self-control, except for the motivation dimension of self-control; c) 85% of the relationship between God-awareness and wisdom can be predicted through self-control. Therefore, self-control plays the role of a complete mediator in the relationship between God-awareness and wisdom. The results of this research showed that the strengthening of God-awareness can increase the wisdom of people through the promotion of self-control.

Key words: wisdom, God-awareness, self-control.

1. Master of Islamic psychology, Hoda college, Qom, Iran. farzaneh.kachooe@gmail.com

2. Assistant professor of psychology, Faculty of Islamic humanities & social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. houshyari@yahoo.com

چکیده

در حال حاضر، خردمندی از مفاهیم و متغیرهای مورد توجه در پژوهش‌های روان‌شناسی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی انجام شد. روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی بود و جامعه آماری این پژوهش را زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل می‌دادند. از میان جامعه آماری تعداد ۱۹۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسش‌نامه سه بعدی خرد آردلت (۲۰۰۳)، پرسش‌نامه خداآگاهی نورعلیزاده (۱۳۹۰) و مقیاس خودمهارگری رفیعی هنر (۱۳۹۰) استفاده شد. رابطه بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون خطی بررسی شد. برای بررسی نقش میانجی خودمهارگری از روش بارون و کنی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد: الف) بین خردمندی و ابعاد خداآگاهی به غیر از بعد خداایابی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ ب) بین خردمندی و ابعاد خودمهارگری به غیر از بعد انگیزش خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ ج) ۸۵ درصد ارتباط بین خداآگاهی و خردمندی از طریق خودمهارگری قابل پیش‌بینی است. بنابراین خودمهارگری نقش میانجی کامل در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی دارد. نتایج این پژوهش نشان داد تقویت خداآگاهی، از طریق ارتقاء خودمهارگری قادر است خردمندی افراد را افزایش دهد. واژگان کلیدی: خردمندی، خداآگاهی، خودمهارگری.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی، دانشکده هدی، قم، ایران. farzaneh.kachooe@gmail.com

۲. استادیار روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول) j.houshyari@yahoo.com

مقدمه

تعقل و خردمندی از مفاهیم مورد توجه روان‌شناسی و اسلام است. این مفهوم در متون دینی با مجموعه‌ای از ارزش‌های والا مرتبط است (اسعدی، امیری، مولوی و باقری نوع پرست، ۱۳۹۲) و در دهه‌های اخیر از این متون به روان‌شناسی و پژوهش‌های تجربی آن راه یافته است (اکبری، هاشمی و خبازی کناری، ۱۳۹۵). گرچه مطالعه در مورد خردمندی سابقه‌ای طولانی دارد ولی به دلیل پیچیدگی مفهوم خردمندی تعریف واحدی در مورد آن وجود ندارد (کردنوقایی، نبی‌زاده و حدادی، ۱۳۹۶، الف). با وجود تفاوت در تعاریف، اما به طور کلی می‌توان برای خردمندی حداقل پنج کارکرد مهم در نظر گرفت که در همه نظریات خردمندی مشترک هستند. قدرت فرد برای حل معضلات و مشکلات زندگی، مشاوره دادن به دیگران، مدیریت جامعه، به دست آوردن دید کلی و جهان بینی در مورد زندگی و یافتن معنای زندگی کارکردهای مهم خرد هستند (راسل، ۲۰۰۵).

یکی از معروف‌ترین الگوهای نظری روان‌شناختی در حوزه خرد، مدل سه بعدی است که توسط آردلت^۱ (۲۰۰۳ و ۲۰۱۱) و بر اساس پژوهش کلایتون و بایرن^۲ (۱۹۸۰) تدوین شده است. در این نظریه خرد یک ویژگی شخصیتی و ترکیبی از شناخت، تأمل و عاطفه است که منسجم شده اند (آردلت، ۲۰۰۸). علاوه بر این آردلت معتقد است که این سه ویژگی برای خردمندی لازم و کافی هستند (آردلت، ۲۰۰۴). بعد شناختی^۳ شامل درک زندگی و تمایل به دانستن حقیقت، درک معنای عمیق پدیده‌ها و رویدادها با توجه به مسائل درون فردی و بین فردی می‌باشد. بعد تأملی^۴ ادراک پدیده‌ها و رویدادها از چشم اندازه‌های مختلف است که نیاز به خودآزمایی، خودآگاهی و درون‌نگری دارد. بعد عاطفی^۵ شامل وجود هیجانات مثبت نسبت به دیگران، رفتارهای همدلانه و دل‌سوزانه و نیز عدم بی‌تفاوتی و نداشتن هیجانات و رفتارهای منفی نسبت به دیگران است (گاگل و ریفرت، ۲۰۱۱).

در آموزه‌های اسلامی نیز عقل و خرد دارای جایگاه والایی است. نگاهی به منابع اسلامی نشان می‌دهد گاهی عقل و خرد مبدأ اندیشه و فکر،^۷ و یا مبدأ الهام و وجدان اخلاقی در نظر گرفته شده (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷) و به عنوان یک سازه شناختی مورد توجه قرار گرفته

1. Ardelt
2. Clayton & Birren
3. Cognitive
4. Reflective
5. Affective
6. Gugerell & Riffert

۷. عن الصادق عليه السلام: «دعامة الإنسان العقل، والعقل منه الفطنة والفهم والحفظ والعلم» محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳۲.

است. علاوه بر آن با توجه به معنای صفت در منابع اسلامی می‌توان خردمندی را یک صفت شخصیتی دانست. خُلُق در نظریه‌های اخلاقی به معنای صفت است و خُلُق سازمان پویایی از صفات شناختی و رفتاری است که افراد را از یک دیگر متمایز می‌کند (شجاعی، ۱۳۹۶). به همین جهت می‌توان گفت خردمندی نیز صفتی است که آثار آن به صورت رفتار خردمندانه ناشی از شناخت عقلانی در انسان قابل پی‌گیری و مشاهده است؛ روایات متعددی که در بیان صفات عاقل ذکر شده به همین مطلب اشاره دارد.^۱ نگاه به روایات از منظری دیگر نشان می‌دهد، علاوه بر آن که عقل منشأ همه فضایل اخلاقی در انسان است،^۲ خرد نیز یک فضیلت اخلاقی به شمار می‌رود؛^۳ زیرا هر فعل و صفتی که انسان را در رسیدن به قرب الهی و ارتقاء در مراتب آن یاری کند فضیلت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲). بنابراین بالاترین فضیلت اخلاقی رسیدن به قرب الهی است که توسط عقل به دست می‌آید.^۴ مهم‌تر از همه این است که در روایات، عقل به عنوان اصل و کمال انسان است^۵ و خردمندی در دو بعد نظری و عملی برای تعامل با محیط و در زندگی فرد، اصلی بنیادی است و از منظر اسلام انسان سالم انسان خردمند است (جوادی آملی، ۱۳۷۷).

در پیوند دوباره شاخه‌های مختلف روان‌شناسی و فلسفه اخلاق، فضائل به عرصه روان‌شناسی بازگشت و این تجدید حیات تا حدود زیادی بر عهده جنبش روان‌شناسی مثبت بود (اشنیتکا، ایمونس، ۲۰۱۷)؛ بنابراین ورود خرد به عنوان توان‌مندی منحصر به فرد و فضیلت‌والی انسانی در پژوهش‌های روان‌شناختی قدمت چندانی ندارد (هالیدی و چاندلر^۶ ۱۹۸۶؛ بیرن و کلایتون، ۲۰۰۵؛ به نقل از بیات، ۱۳۹۹). با این وجود در سه دهه اخیر در مورد خردمندی و عوامل تأثیرگذار بر آن تحقیقات زیادی صورت گرفته است.

رتال جامع علوم انسانی

۱. عن الرسول ﷺ: «صَفَةُ الْعَاقِلِ أَنْ يَحْلُمَ عَمَّنْ جَهَلَ عَلَيْهِ، وَيَتَجَاوَزَ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيَتَوَاضَعَ لِمَنْ هُوَ دُونَهُ، وَيُسَابِقَ مَنْ فَوْقَهُ فِي ظَلَبِ الْبِرِّ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ تَدَبَّرَ؛ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا تَكَلَّمَ فَعَنِيمَ، وَإِنْ كَانَ شَرًّا سَكَتَ فَسَلِيمَ، وَإِذَا عَرَضَتْ لَهُ فِتْنَةٌ اسْتَعَصَمَ بِإِلَهِهِ وَأَسْكَتَ يَدَهُ وَلسَانَهُ، وَإِذَا رَأَى فَضِيلَةً انْتَهَرَ بِهَا، لِإِثْبَارِهَا الْحَيَاءُ، وَلَا يَبِيدُ مِنْهُ الْحِرْصُ، فَيَلِكُ عَشْرُ خِصَالٍ يُعْرِفُ بِهَا الْعَاقِلُ» حرانی، ۱۳۶۳، ۲۸ و ۲۹.
۲. عنه ﷺ: «فَتَشَعَبَ مِنَ الْعَقْلِ الْجِلْمُ، وَمِنَ الْجِلْمِ الْعِلْمُ، وَمِنَ الْعِلْمِ الرُّشْدُ. وَمِنَ الرُّشْدِ الْعَفَافُ، وَمِنَ الْعَفَافِ الصَّبَاطُ، وَمِنَ الصَّبَاطِ الْحَيَاءُ، وَمِنَ الْحَيَاءِ الرِّزَاةُ، وَمِنَ الرِّزَاةِ الْمُدَاوَمَةُ عَلَى الْخَيْرِ، وَمِنَ الْمُدَاوَمَةِ عَلَى الْخَيْرِ كِرَاهِيَةُ الشَّرِّ، وَمِنَ كِرَاهِيَةِ الشَّرِّ طَاعَةُ النَّاصِحِ» محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۳۸.
۳. عن علی ﷺ: «غَايَةُ الْمَضَائِلِ الْعَقْلُ» همان، ۵۸.
۴. عن الصادق ﷺ: «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَاكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» همان: ۱۶۴.
۵. عن الصادق ﷺ: «أَصْلُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ» همان: ۵۶؛ عن علی ﷺ: «كَمَالُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ» همان: ۷۶.

برخی از این پژوهش‌ها نشان می‌دهند خرد از طریق معنویت به دست می‌آید (گاکرل و ریفت،^۱ ۲۰۱۱). خرد همیشه جنبه‌هایی از ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر نظام اعتقادی فرد را در خود دارد (کردنوقایی، ۱۳۹۵). ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای آرمانی به عنوان معیار انسجام بخش، تنظیم‌گر اعمال و رفتار انسان هستند که در قالب دین از سوی خداوند به انسان ابلاغ شده‌اند (شجاعی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر اساسی‌ترین مؤلفه دین و عنصر اصلی دین داری، توحید و خداآگاهی است، به طوری که دین داری بدون این دو معنایی نخواهد داشت و به همین جهت همه آموزه‌های دینی به سمت خدا و برای برقراری پیوند با او می‌باشد (بوترابی ۱۳۸۲: ۲۱۰). بنابراین می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خردمندی دین داری و خداآگاهی است. «خداآگاهی» فراتر از مفهوم خداشناسی، یعنی شناخت، توجه و احساس حضور خدا، پیوستگی و تعلق به او و تداوم بخشی به ارتباط ناگسستنی با خدا است. در این میان، ذکر و یاد خدا اصلی‌ترین پل ارتباطی با مبدأ هستی بخش است که باعث تعالی ابعاد فطری و وجودی انسان می‌شود (نورعلیزاده، بشیری و جان بزرگی، ۱۳۹۱).

در حقیقت دین می‌تواند از طریق ارائه معیارها و ارزش‌ها با خردمندی رابطه داشته باشد، به طوری که بسیاری از تحقیقات این موضوع را تأیید می‌کنند. برای مثال اسمیت^۲ (۲۰۱۲) گزارش کرد که معنویت و خردمندی رابطه معنا دار و مثبت دارند. کردنوقایی، نبی‌زاده و حدادی نیز (۱۳۹۶، الف) در پژوهش خود نشان دادند مؤلفه‌های اعتقادات دینی با برخی از ابعاد خردمندی رابطه مثبت و معنا دار دارد. علاوه بر آن یافته دیگر این پژوهش نشان داد که ترکیب مؤلفه‌های اعتقادات دینی (مشارکت دینی، عامل پایبندی، رعایت مسائل شرعی) قادر نیست سازه خردمندی را پیش بینی کند. در پژوهشی دیگر کردنوقایی و نبی‌زاده (۱۳۹۶، ب) دریافتند که در مقیاس سه بعدی خرد آردلت، ترکیب مؤلفه‌های هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی ۲۰ درصد از واریانس خرد را تبیین می‌کنند، یافته دیگر پژوهش آن‌ها نشان داد جهت‌گیری مذهبی بیرونی با خرد رابطه معکوس و معنا دار دارد اما با سایر معیارهای سنجش خرد ارتباط معنا داری ندارد. یاد خدا و خداآگاهی بر اساس منابع اسلامی نیز از جمله عواملی است که بر عقل تأثیر می‌گذارد. در منابع دینی روایاتی وجود دارند که شناخت خدا را از نشانه‌های کمال عقل ذکر کرده و یاد خدا را راه نمای خرد و مایه روشنایی آن می‌داند.^۳

1. Gugereil & Riffert

2. Smith

۳. عن علی علیه السلام: «مَنْ كَثُرَ ذِكْرُهُ اسْتَنَارَ لَيْتُهُ» وعنه عليه السلام: «الذِّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ وَبَصِيرَةُ النَّفْسِ»، محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۰.

با وجود مبانی نظری و تحقیقات میدانی که تأثیر دین داری و خداآگاهی بر خردمندی را تأیید می‌کنند، اما هنوز مکانیسم دقیق این تأثیر تبیین نشده است؛ علاوه بر آن برخی از پژوهش‌ها عکس این رابطه را نشان می‌دهند (کردنوقایی، نبی‌زاده و حدادی، ۱۳۹۶، الف، آردلت، ۲۰۰۸). هم‌چنین مقیاس خداآگاهی به سبب سنجش احساس درونی و واقعی نسبت به خداوند که محور دین است، حس اصیل دین داری را می‌سنجد و می‌تواند نتایج جدیدی را نشان دهد. بر این اساس لازم است تحقیقاتی بر پایه کشف چگونگی رابطه بین خداآگاهی و خردمندی بر اساس مقیاس‌های جدید صورت پذیرد.

طبق پژوهش‌های انجام شده یکی از عواملی که می‌تواند در ارتباط با خداآگاهی و خردمندی مورد توجه قرار گیرد خودمهارگری است. خودمهارگری در روان‌شناسی برنامه‌های کاربردی در حوزه افکار، احساسات و تکانه‌ها (پیلارسکا و بائومیستر، ۲۰۱۸)، کنترل توجه و هدایت رفتار است (تانجی و بائومیستر، ۲۰۰۴) و بر اساس منابع اسلامی از تحلیل دو مفهوم عقل و تقوی به دست می‌آید. بر اساس آموزه‌های اسلامی خودمهارگری «توان مهار و تنظیم مداوم و آگاهانه تمایلات نفس در سه حوزه افکار، هیجانات و رفتار با هدف رسیدن به کمال الهی از طریق شناخت و نظارت بر خود، شناخت هدف نهایی و ایمان به آن و عمل بر اساس انگیزش‌های الهی» است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵). فرایند توحیدبخشی که خداآگاهی آن را ایجاد می‌کند باعث می‌شود همه نیروهای روانی حول محور خداوند و با هدف قرب الهی یعنی کمال و سعادت انسان در یک راستا قرار گیرند؛ به این ترتیب فرایند بازیابی و خودتنظیم‌گری به بهترین نحو صورت می‌گیرد (نورعلیزاده، ۱۳۹۵). از سوی دیگر بین خداآگاهی و خودآگاهی نوعی ملازمه وجود دارد.^۳ به این ترتیب خودآگاهی، خودتنظیم‌گری و سیستم روانی خدامحوری که در سایه خداآگاهی پدید می‌آید سبب می‌شود انسان بتواند نفس خویش را در جهت هدف توحیدی خود مهار کند و در مواضع انحراف با یاد خدا خودمهارگری داشته باشد.^۴

تحقیقات میدانی نیز نشان می‌دهد خداآگاهی با خودمهارگری رابطه مثبت و معناداری دارد. تحقیق عنایت پور، جهانگیرزاده و تقییان (۱۳۹۸) نشان داد بین دین داری و خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. عبداللهی، هاشمی و نقش (۱۳۹۷) اعلام کردند هر میزان

1. Pilarska & Baumeister
2. Tangney & Baumeister

۳. عن الصادق «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ»، محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۷: ۱۶۸.
۴. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»، اعراف: ۲۰۱.

دین‌داری دانش‌جویان بالاتر رود خودمهارگری افزایش می‌یابد و باعث افزایش شادکامی می‌شود. کفاش پور مرندی و خدابخشی کولایی (۱۳۹۷) در پژوهش خود دریافته‌اند که خودمهارگری پیش‌بینی‌کننده معنادار جهت‌گیری مذهبی است. نتایج تحقیق صدر و معتمدی (۱۳۹۶) نشان داد افرادی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارند، نسبت به افرادی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارند، از خودمهارگری بالاتری برخوردارند. عرفانی، غباری بناب و رفیعی هنر (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان دادند دلبستگی به خدا با خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار دارد. یافته‌های پژوهش رحیمی، میردریکوندی و نورعلیزاده (۱۳۹۵) نشان داد، بین خداآگاهی و خودمهارگری با میانجی‌گری خودآگاهی و حرمت خود رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. تحقیق حسین‌خانزاده، همتی علمدارلو، آقابابایی، مرادی و رضایی (۱۳۹۰) نشان داد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی با خودمهارگری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با خودمهارگری رابطه‌ای وجود ندارد. رفیعی هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹) نیز رابطه مثبت و معناداری را بین دین‌داری و خودمهارگری گزارش کرده‌اند.

بر اساس این پژوهش‌ها می‌توان گفت دین‌داری و خداآگاهی باعث افزایش خودمهارگری می‌شود. علاوه بر تأثیر دین‌داری و خداآگاهی بر خودمهارگری، لوسیا^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان داد که مذهب علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم نیز بر خردمندی تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین با توجه به رابطه نظری بین خداآگاهی و خودمهارگری و تحقیقاتی که نشان‌دهنده رابطه بین خودمهارگری و خردمندی هستند می‌توان گفت یکی از عواملی که رابطه بین خداآگاهی و خردمندی را تبیین می‌کند، خودمهارگری است. آزادمنش، ابوالمعالی و محمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی رابطه ساختاری خرد و رفتار اخلاقی با نقش واسطه‌ای خودمهارگری را بررسی کرده و دریافته‌اند، خرد از طریق نقش واسطه‌ای خودمهارگری بر مردم‌محوری و وظیفه‌محوری اخلاقی تأثیر مثبت و بر خودمحوری اخلاقی تأثیر منفی دارد که این مسأله نشان‌گر اهمیت نقش خودمهارگری است. چراغ‌زاده و کردنوقابی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تبیین خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری در دانش‌جویان» نشان دادند که خودبازداری به طور مثبت قادر به پیش‌بینی خردمندی است. گلاک، بلاک و وست استریت^۲ (۲۰۱۹) پژوهشی در مورد تجربه زندگی انجام دادند و به

1. Lucia

2. Glück, bluck, weststrate

این نتیجه رسیدند که افراد خردمندتر می‌توانند در بیش تر اوقات شرایط سخت را کنترل کنند. دسی و روناندو^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «سطح فضایل هوش اخلاقی و رشد خرد در میان شاغلین فیلیپینی» نشان دادند بین خرد و خودمهارگری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تورنس^۲ (۲۰۱۵) در تحقیق خود با توجه به نظر ارسطو بیان کرد، خرد عملی فضیلتی اصلی است که باعث می‌شود فرد از نظر اخلاقی هنگام عمل فکر کند و انتخابی منطقی و منطبق با اهداف ارزشمند خویش انجام دهد. گلاک و بلاک (۲۰۱۴) نشان دادند که بین خرد و خودبازداری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بر اساس پژوهش آنان تنظیم هیجانی یکی از عوامل مؤثر در رشد خرد است. بنابراین به نظر می‌رسد خداآگاهی علاوه بر این که به شکل مستقیم با خردمندی رابطه دارد می‌تواند از طریق افزایش خودمهارگری نیز به صورت غیرمستقیم بر خردمندی تأثیر بگذارد.

با توجه به پیشینه نظری و تحقیقاتی مذکور و خلأ پژوهشی در تبیین رابطه بین خداآگاهی و خردمندی و میانجی‌های این رابطه، هم‌چنین نتایج متناقض تحقیقات در زمینه رابطه بین دو متغیر مذکور، پژوهش حاضر در صدد است نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی در قالب فرضیه‌های زیر را بررسی نماید:

- بین خردمندی و خداآگاهی رابطه وجود دارد؛
- بین خردمندی و خودمهارگری رابطه وجود دارد؛
- بین خداآگاهی و خودمهارگری رابطه وجود دارد؛
- خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی نقش میانجی دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به هدف و کاربرد آن، جزء تحقیقات کاربردی است. از نظر روش پژوهش و شیوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی است و برای گردآوری اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر تمام زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۹ و

1. Desi & rodellando
2. Torrance

روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی در دسترس است. بدین صورت که پرسش‌نامه‌ها در فضای مجازی در اختیار زنان و مردان بالای ۱۸ سال قرار گرفت و آن‌ها به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. بر اساس قانون تاباچنیک و فیدل^۱ (۲۰۱۳) حداقل حجم نمونه برای این تحقیق ۱۲۲ نفر است، اما بر اساس شرایط موجود و به جهت حصول اطمینان نسبت به نتایج تحقیق، محقق ۲۲۰ پرسش‌نامه را به روش مذکور در اختیار پاسخ‌گویان قرار داد و در نهایت بعد از دریافت پرسش‌نامه‌ها ۱۹۷ مورد از آن‌ها کامل بود که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار تحقیق

برای گردآوری اطلاعات از سه پرسش‌نامه خردمندی آردلت و دو پرسش‌نامه اسلامی خداآگاهی نورعلیزاده و خودمهارگری رفیعی هنر استفاده شد.

پرسش‌نامه سه بعدی خردمندی: «مقیاس سه بعدی خرد» در سال ۲۰۰۳ توسط آردلت ساخته شد. این مقیاس با ۳۹ ماده سه بعد شناختی، تأملی و عاطفی را مورد سنجش قرار می‌دهد و به صورت لیکرت پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. آلفای کرونباخ برای بعد شناختی ۰/۷۲، بعد تأملی ۰/۷۴ و بعد عاطفی ۰/۶۶ به دست آمد. همبستگی بین این ابعاد، از ۰/۴۸ تا ۰/۵۲ محاسبه شد. پایایی این مقیاس در ایران ارزیابی شد و ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس خرد ۰/۸۱ و برای ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۷۴، ۰/۶۰ به دست آمد (کردنوقابی، ۱۳۹۵).

پرسش‌نامه خداآگاهی: این مقیاس در سال ۱۳۹۰ توسط نورعلیزاده بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته و هنجاریابی شد. این پرسش‌نامه با ۲۵ گویه چهار عامل خداشناسی (سؤال‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵)، خداهشیاری (سؤال‌های ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۸ و ۲۱)، خداربطی (سؤال‌های ۷، ۱۴، ۲۰، ۲۳ و ۲۵) و خدایابی (سؤال‌های ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۶، ۱۹، ۲۲ و ۲۴) را مورد سنجش قرار می‌دهد و به صورت لیکرت ۴ درجه‌ای از: کاملاً موافقم (۴)، موافقم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) طراحی شده است. گویه‌های ۲، ۳، ۶، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ گزاره‌های معکوس این آزمون را تشکیل می‌دهند. در این آزمون حداقل نمره ۲۵ و حداکثر نمره ۱۰۰ می‌باشد به صورتی که نمره کلی بالاتر، نشان‌گر خداآگاهی بیش‌تر است. اعتبار مقیاس به شیوه بازآزمایی (۰/۷۷)، هم‌سانی درونی آلفای کرونباخ (۰/۹۰) و دو نیمه‌سازی (با

1. Tabachnick & Fidell.

ضریب اسپرمن - براون و گاتمن: ۰/۹۱)، گزارش شد (نورعلی‌زاده و بشیری، ۱۳۹۶).

پرسش‌نامه خودمهارگری: این مقیاس در سال ۱۳۹۰ توسط رفیعی هنر بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته و هنجاریابی شد. این پرسش‌نامه با ۶۴ گویه پنج‌عامل انگیزش خودمهارگری، خود نظارت‌گری - مهار رفتاری، خودمهارگری هیجانی - رفتاری، خودمهارگری جنسی و هدف‌پذیری را مورد سنجش قرار می‌دهد و به صورت لیکرت ۴ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. روایی محتوایی، بالاتر از ۰/۹۶ و ضریب تطابق کندال ۰/۲۵۷ بوده که در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. روایی ملاکی با محاسبه ضریب همبستگی مقیاس حاضر و دو مقیاس خودمهارگری تانجی^۱ (۲۰۰۴) و خرده مقیاس اعتدال از پرسش‌نامه توان‌مندی خوی پترسون^۲ (۲۰۰۴) به ترتیب ۰/۵۸۷ و ۰/۴۰۳ بوده و در سطح ۰/۰۱ معنادار است. نتیجه بررسی روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی؛ استخراج بار عاملی بالاتر از ۰/۳ بوده که در مجموع ۳۱۵/۳۴ درصد واریانس کل مقیاس را برآورد می‌کند. همبستگی بین عوامل و کل مقیاس در سطح ۰/۰۱ معنادار است (رفیعی هنر، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

۵۲ نفر (۲۶/۴ درصد) پاسخ‌گویان مرد و ۱۴۵ نفر (۷۳/۶ درصد) زن بوده‌اند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به افراد کم‌تر از ۳۰ سال می‌شود. این افراد حدود یک سوم (۳۳ درصد) کل پاسخ‌گویان را شامل شده‌اند. کم‌ترین فراوانی نیز مربوط به افرادی است که بالای ۵۰ سال داشته‌اند. این گروه ۱۰/۲ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند. ۶۷ درصد پاسخ‌گویان متأهل و ۳۳ درصد مجرد بوده‌اند. ۸۲/۲ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. ۱۰/۲ درصد تحصیلات حوزوی داشته‌اند و ۷/۶ درصد نیز اعلام کرده‌اند که دارای هر دو نوع تحصیلات حوزوی و دانشگاهی هستند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به افرادی است که دارای تحصیلات لیسانس یا سطح دو بوده‌اند. این افراد ۴۱/۱ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. این مرتبه بعد افرادی قرار دارند که دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا سطح سه بوده‌اند. این افراد ۱۹/۸ درصد کل پاسخ‌گویان را شامل شده‌اند. ۱۸/۸ درصد پاسخ‌گویان را افرادی تشکیل داده‌اند که دارای تحصیلات دیپلم بوده‌اند. افرادی که دارای تحصیلات زیر دیپلم و کاردانی

1. Tangney.
2. Peterson.

بوده‌اند به ترتیب ۹/۶ و ۹/۱ درصد پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. ۲/۵ درصد پاسخ‌گویان نیز دارای تحصیلات دکتری بوده‌اند.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱. شناختی														۱
۲. تأملی													۱	۰/۵۳۹**
۳. عاطفی												۱	۰/۴۰۶**	۰/۳۲۸**
۴. خردمندی											۱	۰/۶۸۸**	۰/۸۲۴**	۰/۸۳۵**
۵. خداشناسی										۱	۰/۱۸۳**	۰/۲۳۸**	۰/۱۹۵**	۰/۰۳۶
۶. خدا‌هشیاری								۱	۰/۷۴۶**	۰/۳۲۶**	۰/۴۰۵**	۰/۲۷۵**	۰/۱۳۷	۰/۱۳۷
۷. خداربطی							۱	۰/۶۸۲**	۰/۴۹۲**	۰/۳۲۷**	۰/۲۸۰**	۰/۳۰۱**	۰/۲۰۷**	۰/۲۰۷**
۸. خدایابی							۱	۰/۴۴۰**	۰/۶۸۴**	۰/۷۵۹**	۰/۰۹۶	۰/۱۷۱*	۰/۰۴۲	۰/۰۳۴
۱۰. خداآگاهی						۱	۰/۸۷۶**	۰/۷۳۴**	۰/۹۱۵**	۰/۸۷۴**	۰/۲۶۲**	۰/۳۱۷**	۰/۲۲۱**	۰/۱۱۴
۱۱. انگیزش خودمهارگری				۱	۰/۶۴۶**	۰/۷۰۸**	۰/۳۸۸**	۰/۴۸۳**	۰/۵۷۵**	۰/۱۰۲	۰/۱۹۸**	۰/۱۱۸	۰/۰۳۴	۰/۰۳۴
۱۲. خودنظارتی و مهارت‌رسانی				۱	۰/۵۳۹**	۰/۴۶۴**	۰/۳۶۹**	۰/۴۸۱**	۰/۴۲۳**	۰/۳۲۵**	۰/۳۶۴**	۰/۲۵۴**	۰/۳۸۶**	۰/۲۳۱**
۱۳. خودمهارگری هیجانی - رفتاری			۱	۰/۳۸۱**	۰/۱۰۶	۰/۲۴۹**	۰/۱۱۱	۰/۳۶۷**	۰/۲۵۲**	۰/۱۷۴*	۰/۴۰۴**	۰/۳۹۷**	۰/۳۵۷**	۰/۲۳۱**
۱۴. خودمهارگری جنسی		۱	۰/۴۰۷**	۰/۵۳۶**	۰/۴۵۱**	۰/۴۴۴**	۰/۲۵۱**	۰/۵۰۰**	۰/۴۶۳**	۰/۳۵۶**	۰/۳۳۱**	۰/۳۰۴**	۰/۳۲۲**	۰/۱۸۰*
۱۵. هدف‌پذیری	۱	۰/۴۳۷**	۰/۳۳۸**	۰/۴۵۸**	۰/۷۰۴**	۰/۵۵۸**	۰/۵۷۵**	۰/۳۲۹**	۰/۴۴۶**	۰/۵۲۱**	۰/۲۳۸**	۰/۲۹۲**	۰/۱۴۷*	۰/۱۴۷*
۱۶. خودمهارگری		۰/۷۲۲**	۰/۴۷۸**	۰/۷۴۹**	۰/۸۷۷**	۰/۶۷۵**	۰/۶۲۲**	۰/۵۳۹**	۰/۵۶۷**	۰/۵۷۰**	۰/۳۱۸**	۰/۳۵۰**	۰/۳۰۴**	۰/۱۳۵

$$P \leq 0/01^{**} \quad P \leq 0/05^*$$

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد متغیر خردمندی با متغیر خداآگاهی و همه زیرمقیاس‌های آن به جز خدایابی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر رابطه بین این دو متغیر مستقیم است؛ لذا افرادی که در یکی از این دو متغیر نمره بالایی داشتند در متغیر دیگر نیز نمره بالایی کسب کرده‌اند و نمره پائین در یکی از این دو متغیر منجر به کسب نمره پائین در متغیر دیگر نیز شده است. بنابراین در تأیید فرضیه اول تحقیق می‌توان گفت: بین خردمندی و خداآگاهی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

متغیر خردمندی با متغیر خودمهارگری و همه زیرمقیاس‌های آن به جز انگیزش خودمهارگری، همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد؛ بنابراین در تأیید دومین فرضیه تحقیق می‌توان گفت: بین خردمندی و خودمهارگری رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

به منظور بررسی فرضیه اصلی تحقیق یعنی بررسی نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین

خداآگاهی و خودمهارگری از روش بارون و کنی^۱ استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج رگرسیون ها برای بررسی نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی با استفاده از روش بارون و کنی

مدل*	متغیر ملاک	متغیر(های) پیش بین	ضریب بتا	t	سطح معنی داری
۱	خردمندی	خداآگاهی	۰/۲۶۲	۳/۷۸۴	۰/۰۰۰
۲	خودمهارگری	خداآگاهی	۰/۶۷۵	۱۲/۷۸۶	۰/۰۰۰
۳	خردمندی	خودمهارگری	۰/۳۱۸	۴/۶۷۹	۰/۰۰۰
۴	خردمندی	خداآگاهی	۰/۰۸۶	۰/۹۳۸	۰/۳۴۹
		خودمهارگری	۰/۲۵۹	۲/۸۱۶	۰/۰۰۵

* مدل های رگرسیون مورد بررسی:
 مدل ۱: مسیر پیش بینی خردمندی از طریق خداآگاهی
 مدل ۲: مسیر پیش بینی خودمهارگری از طریق خداآگاهی
 مدل ۳: مسیر پیش بینی خردمندی از طریق خودمهارگری
 مدل ۴: مسیر پیش بینی خردمندی از طریق خداآگاهی و خودمهارگری

نتایج رگرسیون ها نشان داد:

۱. بین متغیر پیش بین (خداآگاهی) و متغیر ملاک (خردمندی) رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.
 ۲. بین متغیر میانجی (خودمهارگری) و متغیر پیش بین (خداآگاهی) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.
 ۳. بین متغیر ملاک (خردمندی) و متغیر میانجی (خودمهارگری) رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.
 ۴. با در نظر گرفتن متغیر خودمهارگری به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین متغیرهای خداآگاهی و خردمندی، معنی داری ارتباط بین خداآگاهی و خردمندی از بین رفته است؛ بنابراین می توان گفت متغیر خودمهارگری توانسته است به صورت کامل در رابطه بین دو متغیر خداآگاهی و خردمندی به عنوان متغیر میانجی، نقش داشته باشد.
- محاسبه نسبت اثر غیرمستقیم به کل اثر خداآگاهی بر خردمندی با استفاده از روش بوت استراپ^۲ نشان داد ۸۵ درصد ارتباط بین خداآگاهی و خردمندی از طریق خودمهارگری انجام می شود؛ بنابراین در تأیید فرضیه اصلی می توان گفت: خودمهارگری نقش میانجی گری کامل در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی دارد.

1. Barron & Kenny
 2. Bootstrap.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی است. نتایج حاصل نشان داد خداآگاهی با واسطه‌گری کامل خودمهارگری بر خردمندی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مورد تأیید قرار گرفت، اما پژوهش حاضر به منظور دستابی به پاسخ فرضیه اصلی، ارتباط بین متغیرهای خداآگاهی و خودمهارگری با خردمندی را نیز بررسی کرده است. فرضیه فرعی اول این تحقیق بررسی رابطه بین خردمندی و خداآگاهی است. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان داد بین خردمندی و خداآگاهی و همه زیرمقیاس‌های آن جز خدایابی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج تحقیق در این بخش با یافته‌های کردنوقابی و هم‌کاران (۱۳۹۶، الف)، کردنوقابی و نبی‌زاده (۱۳۹۶، ب)، لوسیا (۲۰۱۳) و اسمیت (۲۰۱۲) هم‌سو می‌باشد.

ابتدا در تبیین رابطه خداآگاهی و خردمندی باید گفت؛ بر اساس آموزه‌های اسلامی خرد یک فضیلت،^۱ منشأ سایر فضایل اخلاقی، اصل دین‌داری،^۲ راه‌نمای ایمان،^۳ شرط ذکر و یادکرد خداوند^۴ و زمینه دستابی به قرب الهی و سعادت است.^۵ بنابراین انسان خداآگاه، فرد خردمندی است که در سایه حاکمیت عقل خدا محور به انسجام شخصیت و سلامت روان رسیده است. هم‌چنین در تبیین دیگری برای وجود این رابطه می‌توان گفت، یکی از ابعاد عقل و خرد شناخت است به همین سبب شناخت صحیح بدون کاربست عقل و تفکر خردمندانه امکان‌پذیر نمی‌باشد. با توجه به این‌که خداآگاهی مبتنی بر شناخت خداوند است ارتباط بین سازه خردمندی و خداآگاهی دور از انتظار نیست. از سوی دیگر با توجه به ابعاد خردمندی می‌توان ارتباط بین این دو سازه را تبیین کرد. بعد شناختی خردمندی به معنای درک واقعیات زندگی و تمایل به دانستن حقیقت است. خداآگاهی سبب می‌شود انسان نسبت به خداوند در جایگاه بالاترین حقیقت موجود در جهان هستی و قوی‌ترین و مؤثرترین عامل روانی در انسان (یونگ، ۱۳۹۰) شناخت پیدا کند. شناخت صحیح خداوند و

۱. عن علی علیه السلام: «غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعَقْلُ»، محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۷.

۲. عن الرسول صلی الله علیه و آله: «إِنَّ مِنْ دَعَاةِ الْبَيْتِ أَسَاسَهُ، وَدَعَاةِ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْبِقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَالْعَقْلُ الْقَامِعُ، فَقَالُوا: وَمَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْكُفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْجِرْضُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى جَمِيعِ إِحْسَانِهِ وَإِنْعَامِهِ وَحُسْنِ بِلَايَتِهِ»، همان: ۶۰.

۳. عن الصادق علیه السلام: «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ»، همان.

۴. «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ»، رعد: ۱۹.

۵. عن الصادق علیه السلام: «الْعَقْلُ مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَكَشِبَ بِهِ الْجِنَانُ»، محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۶۴.

اعتقاد به وجود و حضور دائمی او نظام شناختی انسان را خدامحور می‌کند و سبب می‌شود محور تمام اعمال و رفتار انسان رسیدن به قرب الهی باشد؛ بنابراین خدا آگاهی موجب می‌شود خدا در رأس سیستم شناختی قرار گیرد. نتیجه خدا آگاهی و گستره این حالت، همه ابعاد روحی - روانی و حتی زیستی انسان را در برمی‌گیرد و در شناخت‌ها، هیجان‌ها و رفتارهای او ظهور و بروز پیدا می‌کند. به خدا توجه و احساس معنوی فزاینده‌ای پیدا می‌کند، خدامدارانه، فکر، خداپسندانه، احساس و خداگونه عمل می‌کند (نورعلیزاده، ۱۳۹۵).

در تبیین رابطه خدا آگاهی با بعد تأملی خردمندی می‌توان گفت این بعد از خردمندی مربوط به پدیده‌هایی است که نیاز به خود آگاهی دارند (گاگل و ریفت، ۲۰۱۱) و در میان آموزه‌های اسلامی اساسی‌ترین مسیر برای ایجاد و بقای خود آگاهی، خدا آگاهی است (نورعلیزاده و هم‌کاران، ۱۳۹۱). بنابراین رسیدن به خود آگاهی در پرتو خدا آگاهی سبب می‌شود فرد به درک شفاف و صحیحی از شخصیت خود، نقاط ضعف، نقاط قوت، افکار، باورها، انگیزه‌ها و هیجان‌ها برسد و می‌تواند رفتاری عاقلانه داشته باشد. بنابراین بعد تأملی خردمندی که مربوط به خود آگاهی است از طریق خدا آگاهی تأمین می‌شود.

بعد عاطفی خرد نیز مبتنی بر عشق، شفقت و نداشتن هیجان‌ها منفی نسبت به دیگران است. نفس کامل‌ترین صورت حق است،^۲ انسان خدا آگاه به علت احساس ربط و پیوستگی دائمی با خداوند، ظرف تجلی صفات خدایی شده و در ارتباط با دیگران خداگونه عمل می‌کند و رفتاری نظام‌مند بروز خواهد داد. مهر و عطوفت به سایرین که جلوه‌ای از صفت رحمانیت خداوند و نشانه خردمندی است به وضوح در چنین فردی مشاهده می‌شود. بنابراین خدا آگاهی که در هر سه بعد خردمندی تأثیرگذار است، موجب انسجام شخصیتی می‌شود که نتیجه محوریت خداوند در زندگی است. در نهایت، خردمندی به دلیل این که خدامحورانه تصمیمات، خواسته‌ها، نیات و اراده انسان را رهبری می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۸) موجب تعادل و یک پارچگی شخصیت می‌گردد. در این حالت هر آن چه تحت حاکمیت عقل انجام می‌شود برای خدا است و سرانجام آن سعادت و رضوان الهی خواهد بود.

نتایج تحقیق در فرضیه فرعی اول با یافته کردنوقابی و هم‌کاران (۱۳۹۶، الف) و آردلت (۲۰۰۸) ناهم سو است. دلیل این ناهم سویی را می‌توان در تفاوت جامعه آماری و استفاده از

1. Gugerell & Riffert

۲. عن الرسول ﷺ: «أن الله خلق آدم على صورته»، کلینی، ۱۳۷۲، ج: ۱، ۱۳۴.

مقیاس‌های متفاوت یافت. به طور مثال پژوهش کردنوقابی و هم‌کاران (۱۳۹۶، الف) نشان داد؛ پایبندی به اعتقادات دینی، مشارکت دینی و رعایت مسائل شرعی قادر نیست سازه خردمندی را پیش‌بینی نماید. این ناهم‌سویی می‌تواند تفاوت ابزار خداآگاهی و اعتقادات دینی باشد. سازه خداآگاهی بر جنبه‌های ارتباط با خدا و احساس حضور او در ابعاد و موقعیت‌های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید دارد و ابزار خداآگاهی نیز همین ابعاد را مورد سنجش قرار می‌دهد، اما مؤلفه‌های اعتقادات دینی بر اساس ابعاد دین‌داری و رفتار دینی ساخته شده است. در برخی موارد مشارکت در اعمال مذهبی، رعایت مسائل شرعی و دین‌داری بر پایه تقلید و مشارکت اجتماعی صورت می‌گیرد نه صرفاً اعتقاد و باور اصیل به خداوند متعال. چنین اعتقادات و رفتارهایی به صورت طبیعی موجب رشد و شکوفایی معنوی و عقلانی انسان نخواهد شد. علاوه بر این چنان‌چه کردنوقابی و هم‌کاران (۱۳۹۶، الف) گزارش کرده‌اند؛ گرچه نمره کل اعتقادات دینی توان پیش‌بینی خردمندی را ندارد اما برخی ابعاد به طور جداگانه این رابطه را تأیید می‌کنند. آردلت (۲۰۰۸) نیز نشان داد بین اعمال مذهبی و خردمندی ارتباط معناداری وجود ندارد. همان‌گونه که گفته شد تفاوت ابزار استفاده شده علت این ناهم‌سویی است؛ زیرا اعمال مذهبی گاهی علت‌های بیرونی غیر از خداجویی و حس اصیل دین‌داری را با خود دارد.

بر اساس نتایج این پژوهش بین بعد خدایابی و خردمندی رابطه‌ای وجود ندارد. در تبیین عدم این رابطه می‌توان گفت، خدایابی به معنای درک ارتباط وجودی با خداوند، مؤلفه و مرتبه نهایی خداآگاهی است. در این مرتبه فرد خود را در جوار قرب الهی دیده و به ارتباط وجودی و واقعی خود و خدا دست می‌یابد. انسان در این مرتبه آن‌چه می‌بیند و درک می‌کند، فقط خداست و با مراحل اوج عرفانی، وحدت، آگاهی مطلق، فنای الهی و مقام لقاءالله هم‌راه است و افراد کمی به این مرحله می‌رسند (نورعلیزاده، ۱۳۹۵). با توجه به این‌که خردمندی در این پژوهش در سطح عامه مردم مورد آزمون قرار گرفته است دور از انتظار نیست که این بعد از خداآگاهی که بالاترین مرتبه است و در افراد کمی یافت می‌شود با خردمندی در سطح عامه مردم رابطه‌ای نداشته باشد؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد عموم مردم در مراتب متوسط یا پایین خداآگاهی باقی می‌مانند و دستیابی به بالاترین مرتبه یعنی خدایابی در انسان‌های کامل یعنی اولیای الهی و معصومین دیده می‌شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که متغیر خردمندی با متغیر خودمهارگری و همه زیر مقیاس های آن به جز انگیزش خودمهارگری، همبستگی مثبت و معنی داری دارد. این زیر مقیاس ها شامل: خود نظارت گری و مهار رفتاری، خودمهارگری هیجانی- رفتاری، خودمهارگری جنسی و هدف پذیری هستند. این نتایج با یافته پژوهش های چراغ زاده و کردنوقابی (۱۳۹۹)، آزادمنش و هم کاران (۱۳۹۹)، گلاک و هم کاران (۲۰۱۹)، دسی و روناندو (۲۰۱۷)، تورنس^۲ (۲۰۱۵) و گلاک و بلاک (۲۰۱۴) هم سو است.

در تبیین این یافته می توان گفت، محور اصلی خردمندی یک پارچگی به معنای هماهنگ کردن نظام های جداگانه برای رسیدن به یک هدف است که بین ابعاد شناختی، عاطفی و کارکردی تعادل ایجاد می کند. این انسجام بین ذهن و فضیلت ها ایجاد شده و خردمند اصول فکری را با اصول اخلاقی خود یک پارچه کرده و آن ها را در راستای یک هدف قرار می دهد. توانایی ایجاد این تعادل و یک پارچگی بستگی به قدرت فرد در شناخت خود، استعدادها و نیروهایش دارد تا بتواند با توجه به آن ها هیجانها و رفتارهای خود را برای رسیدن به یک هدف متعالی و کمال انسانی جهت دهد. به همین دلیل خودشناسی یکی از مفیدترین علوم^۳ و اوج خردمندی است.^۴ خود نظارت گری و مهار رفتاری در سازه خودمهارگری باعث می شود انسان هم واره در پی شناخت خود و نقاط ضعف و قوت خویش باشد و خودآگاهی برای انسان ایجاد می کند که بتواند در راستای اهدافش حرکت کند. مهم ترین وظیفه اراده، حفظ یک پارچگی «خود» است. زیرا بسیاری از مکانیسم های شناختی، انگیزشی و هیجانی به طور هم زمان فعال هستند و هر یک از آن ها تمایلات رفتاری متفاوتی را ایجاد می کنند و اگر عامل کنترل کننده ای وجود نداشته باشد، فرد دچار تعارض می شود. خودمهارگری با کنترل رفتارها، احساسات، تکانه ها و افکار باعث می شود در این تعارضات، فرد بتواند مطابق با اهدافش رفتار کند و دچار از هم گسیختگی شخصیتی نشود؛ بنابراین خودمهارگری با حفظ انسجام شخصیت و جلوگیری از پاسخ سریع، باعث می شود فرد بتواند در موقعیت های متفاوت و متعارض خردمندانه تصمیم گرفته و عمل کند و نه الزاماً بر اساس هیجانها. ارسطو نیز معتقد است خودکنترلی فضیلتی اخلاقی است که رفتار صحیح و خردمندانه را به دنبال دارد

1. Desi & rodelando
2. Torrance

۳. عن علی عليه السلام: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ»، محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۷: ۱۶۲

۴. عنه: «أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ، فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَقَلَ، وَمَنْ جَهِلَهَا ضَلَّ»، محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۰۸

(دسی و رونالدو، ۲۰۱۷). در تبیین دیگری برای ارتباط ابعاد مختلف خرد با خودمهارگری می‌توان گفت مهارت‌های شناختی که در بعد شناختی خرد به آن توجه شده، باعث می‌شود فرد با درک عمیقی که از رویدادها پیدا می‌کند، به مسائل درون فردی و برون فردی توجه کرده و با توجه به درک انگیزه رفتارها در خود و دیگران که از ویژگی‌های بعد تأملی است مهار خویشتن را در روابط درون فردی و برون فردی در اختیار داشته باشد. از سوی دیگر در بعد عاطفی هم دلی و ارتباط مثبت با دیگران جای دارد که این ویژگی نیز در مهار رفتاری در ارتباط با دیگر افراد لازم است.

بین بعد انگیزش خودمهارگری و خردمندی رابطه‌ای یافت نشد. با توجه به این که ابزار خودمهارگری بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته شده است این یافته نیز قابل تبیین است. شناخت انگیزش‌ها در این مدل از مفاهیمی مانند خوف، رجا، حزم، شکر، کرامت، محبت، حیا، عبرت و تجربه حاصل شده است. در نگاه اسلامی حسن فعلی و حسن فاعلی هم راه با هم، فرایند رسیدن به اهداف را ارزشمند می‌کند. یعنی برای ارزشمندی، انگیزه الهی لازم است و این انگیزه می‌تواند به واسطه ساجتناب از عذاب الهی، رسیدن به پاداش اخروی، نایل شدن به جوار قرب الهی یا اسبابی دیگر شکل گیرد. اما در روان‌شناسی این انگیزش‌ها وجود ندارد و کم‌تر به آن پرداخته شده است (رفیعی هنر، ۱۳۹۵). این مفاهیم مربوط به فرهنگ اسلامی است و گرچه بعضی از آن‌ها واژه‌های معادلی در فرهنگ روان‌شناسی دارند، اما جنبه الهی بودن این مفاهیم در نظر گرفته نمی‌شود. مدل سه بعدی خرد آردلت بر اساس تعاریفی ساخته شده که مبتنی بر روان‌شناسی است و شاید به همین علت باشد که این بعد از خودمهارگری که کاملاً مبتنی با مبانی اسلامی است همبستگی را با این مدل از خردمندی نشان نمی‌دهد. از سوی دیگر نمره کلی میزان خردمندی از جمع نمرات سه بعد خرد حاصل شده است. شاید بتوان برای یافتن رابطه بین انگیزش خودمهارگری با خردمندی، هر یک از ابعاد خردمندی را به طور جداگانه در رابطه با این بعد از خودمهارگری سنجید.

یافته دیگر پژوهش نشان داد بین خداآگاهی و خودمهارگری رابطه وجود دارد. برخی از پژوهش‌های انجام شده، رابطه بین خودمهارگری و خداآگاهی را تأیید می‌کنند. از آن جمله می‌توان پژوهش‌های، عنایت پور و هم‌کاران (۱۳۹۸)، عبداللهی و هم‌کاران (۱۳۹۷)، کفاش پورمندی و خدابخشی کولایی (۱۳۹۷)، صدر و معتمدی (۱۳۹۶)، عرفانی و هم‌کاران (۱۳۹۵)،

رحیمی (۱۳۹۵)، حسین خانزاده و هم‌کاران (۱۳۹۰) و هم‌چنین کاظمی و نیک‌منش (۱۳۸۸) را نام برد. این یافته بر اساس مبانی نظری قابل تبیین است. همان‌گونه که در بخش‌های پیش‌گفته شد، خداآگاهی عبارت است از شناخت و احساس حضور خدا، پیوستگی و تعلق به او و تداوم بخشی به ارتباط وجودی و ناگسستگی با او (نور‌علی‌زاده، ۱۳۹۵). خدا از منظر انسان خداآگاه حقیقتی است که از خود انسان به او نزدیک‌تر بوده و هرگز از او دور نمی‌شود، نقطه آغاز و بازگشت انسان است و انسان وجود خویش را عین نیاز و ربط به این حقیقت میابد.^۱ از سوی دیگر انسان موجودی کمال‌طلب است و در پرتو خداآگاهی به شناختی از خویشتن می‌رسد^۲ که نقطه اوج و تکامل آن قرب الهی است. خداآگاهی و خودآگاهی مبتنی بر این دیدگاه باعث می‌شود انسان عالم را محضر خدا بداند و در مسیر رسیدن به کمال و مواجه شدن با عوامل انحراف از کمال هم‌واره خدا را یاد کند. بنابراین خداآگاهی مسیری را به انسان نشان می‌دهد که هدف، غایت، معیارها و ارزش‌هایش خداگونه است و در چنین حالتی انسان با درک نظارت خداوند افکار، رفتار و احساسات خویش را مبتنی بر کسب رضایت الهی تنظیم می‌کند. با کسب این ویژگی انسان می‌تواند تمایلات نفس خویش را با محوریت کسب رضایت الهی به طور مداوم و آگاهانه رهبری و مهار کند.

بررسی فرضیه اصلی پژوهش نشان داد، متغیر خودمهارگری توانسته است به صورت کامل در رابطه بین دو متغیر خداآگاهی و خردمندی به عنوان متغیر میانجی، نقش داشته باشد. محاسبه نسبت اثر غیرمستقیم به کل اثر خداآگاهی بر خردمندی با استفاده از روش بوت‌استرپ^۳ نشان داد ۸۵ درصد ارتباط بین خداآگاهی و خردمندی از طریق خودمهارگری انجام می‌شود.

در تبیین این یافته و با توجه به ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی خردمندی می‌توان گفت خودمهارگری که با انگیزه الهی و در پرتو خداشناسی و فرایند توحیدبخش آن به وجود آمده عامل مهم و تأثیرگذار بر سه بعد خردمندی است. انسان با خودمهارگری به شناخت بهتری از خود، اهداف، معیارها و ارزش‌هایش می‌رسد، بنابراین می‌توان گفت خودمهارگری بالاتر موجب رشد بعد شناختی و تأملی خردمندی می‌شود. از سوی دیگر بسیاری از فضائل

۱. «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» ق: ۱۶؛ «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» انفال: ۲۴؛ «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بقره: ۱۵۶؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» فاطر: ۱۵.

۲. عن الصادق عليه السلام: «وَتَعْرِفُ نَفْسَكَ بِه، وَلَا تَعْرِفُ نَفْسَكَ مِنْ نَفْسِكَ»، محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۷: ۱۶۸.

3. Bootstrap

اخلاقی مانند تقوی، صبر، حلم و عفت از خودمهارگری ناشی می‌شوند (رفیعی هنر، ۱۳۹۵). این فضائل در بسیاری از موارد در هنگام ارتباط با دیگران معنا می‌یابند و با کاهش خودمحوری و درک موقعیت و رفتار خود و دیگران شکل می‌گیرند و باعث هیجانات مثبت، عشق همدلانه و دل‌سوزانه نسبت به دیگران می‌شوند؛ این موارد از ویژگی‌های بعد تأملی و عاطفی خردمندی هستند و بنابراین هر چه انسان در سایه خودمهارگری به فضائل اخلاقی یاد شده دست یابد خردمندتر خواهد بود.

در تبیینی دیگر می‌توان گفت دین یک نیروی روان‌شناختی است (رفیعی هنر و جان بزرگی، ۱۳۸۹) و با فراهم نمودن معیارهایی برای اشخاص، باعث تسهیل خودمهارگری می‌شود. اسلام دینی مبتنی بر جهان بینی الهی است که شرط رسیدن به سعادت را محوریت خداوند در افکار، رفتار و گفتار می‌داند (رضایی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین خداوند به عنوان هسته و شاکله دین داری، وحدت بخش ابعاد شخصیت انسان است. امروزه در روان‌شناسی، خودمهارگری یک توانایی شناخته می‌شود که رفتار فرد را تا مرز قواعد و معیارهای پذیرفته شده می‌رساند. اما شاید هرکسی در عمل بر اساس ایده‌های اخلاقی خود در برخی جهات ناکامی‌هایی داشته باشد. پس نیروی خودمهارگری به یاری و کمک نیازمند است و آموزه‌های ادیان می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند (رفیعی هنر، ۱۳۹۲). باورهای دینی، انگیزه لازم برای خودمهارگری و تداوم رفتار با فضیلت را مهیا می‌کنند (جیر و بانومیستر، ۲۰۰۵)؛ بنابراین دین معیارهای لازم را برای خودمهارگری در اختیار انسان قرار می‌دهد و بر اساس این ارزش‌ها یک پارچگی سازمان روانی انسان که هسته مرکزی خردمندی است به وجود می‌آید. یکی از این ارزش‌های اخلاقی که در متون دینی از آن به عنوان رئیس اخلاق یاد شده، تقوای الهی یا خودمهارگری است^۲ که در برخی از روایات از آن به عنوان ریشه خردمندی یاد شده است.^۳

با توجه به این که بررسی نظریه‌های خردمندی در روان‌شناسی نشان می‌دهد یک پارچگی، هسته مرکزی خرد است (کردنوقایی، ۱۳۹۵) و خردمندی شاخص رشد و انسجام شخصیت (زاخر و استادینگر، ۲۰۱۸)^۴ و نیرویی است که فرد را قادر می‌سازد بین علایق شخصی و توانمندی‌های متفاوت خود تعادل و وحدت ایجاد کند (وینک و استادینگر، ۲۰۱۶)^۵ می‌توان نتیجه کلی این تحقیق را به این صورت تبیین کرد: فعال‌سازی عقل و انسجام شخصیت حاصل از آن

1. Geyer & Baumeister.

۲. عن علی عليه السلام: «التَّقِيُّ رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ»، محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۳۶۷.

۳. «عن علی عليه السلام: «العَقْلُ شَجَرَةٌ أَضْلَاهَا التَّقِيُّ»، محمدی ری شهری ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۴۲.

4. Zacher & Staudinger
5. Wink & Staudinger

محور اکثر مکاتب روان‌درمانی و هم‌چنین روی‌کرد اسلامی است. یک پارچگی شخصیت نشان‌دهنده سلامت روانی است و تداوم آن و هویت درونی ثابت در صورت پیوند معنوی برای انسان حاصل می‌شود؛ زیرا بعد معنوی انسان اصالت بیش‌تری دارد. از سوی دیگر توحید محور اصلی دین و معنویت است و حفظ سلامت روانی، با محوریت توحید و خلوص نیت امکان‌پذیر می‌باشد (ر.ک. جان‌بزرگی و غروی، ۱۳۹۷). بر اساس منابع اسلامی فرایند وحدت بخشی و انسجام شخصیت تحت حاکمیت عقل صورت می‌گیرد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۸) و کمال انسان در گرو کاربست عقل است.^۱ زیرا خردمندی در پرتو عبادت، انسان را به سعادت و قرب الهی که همان کمال مطلوب است می‌رساند. از دیگر سو، اصل و حقیقت عبادت، مهار نفس^۲ با انگیزه الهی است و اخلاص و توحید نیز زیربنای عبادت^۳ و قرب الی‌الله می‌باشد.^۴ بنابراین توحید زیربنای خردمندی و منبع اصلی شخصیت سالم است.

نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد خداآگاهی و خودمهارگری از عوامل فعال ساز عقل هستند و آن‌چه در این دو مفهوم وجود دارد اصل توحید است. توحید زیربنا و نیروی انسجام‌بخش در سازه خداآگاهی است و خودمهارگری عمل‌کرد موحدانه و خلوص و انسجام نیت و رفتار در راستای رسیدن به بالاترین هدف انسانی یعنی قرب الهی است. به همین جهت بر اساس مبانی نظری و بر مبنای نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت یکی از عوامل اساسی و مؤثر در فعال‌سازی عقل و به تبع آن سلامت شخصیت، توحید است و اصلاح باور توحیدی باعث فعال‌سازی عقل و دستیابی به سلامت روان یا به عبارتی خردمندی می‌شود.

بنابراین بر مبنای یافته‌های این پژوهش تقویت خداآگاهی باعث ارتقاء خودمهارگری و به تبع آن افزایش خردمندی می‌شود. بنابراین با توجه به نقش و اهمیت خداآگاهی و خودمهارگری در رابطه با خردمندی، با آموزش مناسب خداشناسی و معرفی دین‌داری اصیل برای تقویت خودمهارگری و ارتقای سطح خرد افراد می‌توان به جامعه آرمانی و اسلامی که هدف آن سعادت‌مندی و تربیت انسان سالم است، دست یافت. در نهایت پیش‌نهاد می‌شود برای ارتقاء خداآگاهی و خردمندی در جامعه مناسب است میانجی‌های دیگر این رابطه در قالب تحقیقات میدانی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. عن الإمام علیؑ: «كَمَالَ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ» محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۷.

۲. عنه: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ»، محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۷: ۱۳.

۳. «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ» انعام: ۱۰۲.

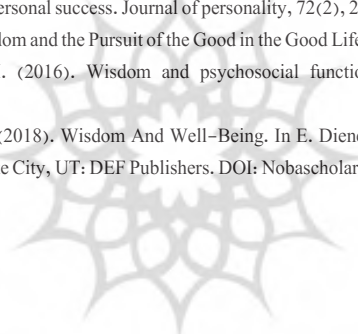
۴. عن الرسول الله ﷺ: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ»، فیض‌کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۸: ۷۸۴.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی. (۱۳۷۶). تهران: دارالقرآن الکریم.
- آزادمنش، منیر؛ ابوالعالی، خدیجه؛ محمدی، اکبر. (۱۳۹۹)، روابط ساختاری خرد و رفتار اخلاقی با نقش واسطه‌ای خودمهارگری، روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۶(۶۳)، ۳۳۱-۳۲۱.
 - اسعدی، سمانه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین؛ باقری نوع‌پرست، خسرو. (۱۳۹۲)، معرفی مفهوم خردمندی در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن، رویکردهای نوین آموزشی، ۸(۱۸)، ۲۸-۱.
 - اکبری، عباس؛ هاشمی، سهیلا؛ خبازی کناری، مهدی. (۱۳۹۵)، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خردمندی، پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۲(۲)، ۳۴-۱۹.
 - پوترابی، خدیجه. (۱۳۸۲)، وجوه مشترک بهداشت روانی در ادیان توحیدی و کتب مقدس، اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روانی، ۲۱۱-۲۰۵.
 - بیات، علی. (۱۳۹۹)، معرفی کتاب راهنمای خرد کمبریج و نقد آن، پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۴(۸)، ۱۲۴-۱۴۸.
 - جان بزرگی، مسعود؛ غروی، محمد. (۱۳۹۷)، اصول روان‌درمانگری و مشاوره با رویکرد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸)، تفسیر انسان به انسان، چاپ نهم، قم: اسراء.
 - جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷)، تفسیر موضوعی قرآن کریم: مراحل اخلاق در قرآن (تنظیم و ویرایش علی اسلامی)، قم: اسراء.
 - چراغ زاده، مینا؛ کردنوقایی، رسول. (۱۳۹۹)، تبیین خرد بر اساس ذهنیت فلسفی، دیدگاه‌گیری اجتماعی و خودبازداری در دانشجویان، تازه‌های علوم شناختی، ۲۲(۲)، ۱۱-۲.
 - حرانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳)، تحف العقول، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
 - حسین خانزاده، عباسعلی؛ همتی علمدارلو، قربان؛ آقابابایی، حسین؛ مرادی، اعظم؛ رضایی، صدیقه. (۱۳۹۰)، پیش‌بینی ظرفیت خودمهارگری از طریق انواع جهت‌گیری‌های مذهبی و نقش آن در کاهش بزهکاری، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۲(۲)، ۳۶-۱۹.
 - رحیمی، عبدالله؛ میردریگوندی، رحیم؛ نورعلیزاده، مسعود. (۱۳۹۵)، از خدا آگاهی تا خودمهارگری؛ آزمون یک مدل با کاربرد تحلیل مسیر، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۶)، ۸۰-۶۰.
 - رضایی، نسرين. (۱۳۹۵)، رابطه ادراک خدا و دل‌بستگی نسبت به خداوند در دانش‌آموزان دختر دبیرستان دوره اول متوسطه شهرستان ملایر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملایر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش.
 - رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۰)، ساخت مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، گروه روان‌شناسی.
 - رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۲)، اسلام، اخلاق و خودمهارگری روان‌شناختی، فصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی، ۱(۳)، ۱۷۱-۱۴۸.
 - رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۵)، روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 - رفیعی هنر، حمید؛ جان بزرگی، مسعود. (۱۳۸۹)، رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری، روان‌شناسی و دین، ۱(۳)، ۴۲-۳۱.
 - شجاعی، محمدصادق. (۱۳۹۶)، شخصیت از دیدگاه صفات: نظریه‌های روان‌شناختی و اسلامی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - شجاعی، محمدصادق. (۱۳۹۴)، درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، چاپ دوم، قم: دارالحدیث.
 - صدر، فاطمه؛ معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۶)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با نگرش به حجاب و خودمهارگری در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، روان‌شناسی و دین، ۱۰(۳)، ۱۱۲-۱۰۱.
 - عبداللهی، بهناز؛ هاشمی، زهرا؛ نقش، زهرا. (۱۳۹۷)، مطالعه نقش واسطه‌ای خودمهارگری در رابطه بین دینداری با شادکامی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱(۱۸)، ۵۰-۲۹.
 - عنایت‌پور، محسن؛ جهانگیرزاده، محمدرضا؛ تقیان، حسن. (۱۳۹۸)، نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین دینداری و بهزیستی روان‌شناختی، پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ۲(۲)، ۱۱۳-۹۷.

۲۳. عرفانی، احمد؛ غباری بناب، باقر؛ رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۵)، نقش واسطه‌ای خودمهاگری در رابطه دلبستگی با خدا با کارکرد خانواده در میان متأهلین شهر قم، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۳)، ۸۱-۹۶.
۲۴. فیض کاشانی، محمد. (۱۴۰۶ق)، وافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۲۵. کاظمی، یحیی؛ نیک‌منش، زهرا. (۱۳۸۸)، رابطه دینداری، خویشستن‌داری و اعتیاد، طلوع بهداشت، ۸(۳)، سومین کنگره سراسری رفتارهای پرخطر.
۲۶. کردنوقایی، رسول. (۱۳۹۵)، روان‌شناسی خرد، چاپ دوم، تهران: ارجمند.
۲۷. کردنوقایی، رسول؛ نبی‌زاده، صغدر. (۱۳۹۶)، تبیین خرد بر اساس هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی، پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲۰(۱)، ۹۰-۷۶.
۲۸. کردنوقایی، رسول؛ نبی‌زاده، صغدر؛ حدادی، فاطمه. (۱۳۹۶)، الف)، بررسی نقش تبیین‌کنندگی سبک‌های هویت و اعتقادات دینی در سازه خردورزی، روان‌شناسی و دین، ۱۰(۳۷)، ۱۶۲-۱۴۱.
۲۹. کفاح پورمردی، آنوسا؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا. (۱۳۹۷)، رابطه بین کارایی خانواده و خودکنترلی با جهت‌گیری مذهبی در مادران دارای کودک مبتلا به اوتیسم شهر تهران، پژوهش در دین و سلامت، ۴(۳)، ۳۳-۲۱.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۲)، الکافی، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۷)، خردگرایی در قرآن و حدیث (ترجمه مهدی مهریزی)، چاپ سوم، قم: دارالحدیث.
۳۲. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۷)، نهج‌الذکر (ترجمه حمیدرضا شیخی)، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۳۳. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۹)، میزان‌الحکمه، قم: دارالحدیث.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲)، فلسفه اخلاق، چاپ هشتم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۳۵. نورعلیزاده میانجی، مسعود. (۱۳۹۵)، شخصیت متعالی و سلامت روانی در پرتو خداآگاهی، چاپ اول، قم: پژوهشکده باقرالعلوم.
۳۶. نورعلیزاده میانجی، مسعود؛ بشیری، ابوالقاسم. (۱۳۹۶)، ساخت مقیاس خداآگاهی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن، اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۵)، ۱۸۸-۱۵۹.
۳۷. نورعلیزاده میانجی، مسعود؛ بشیری، ابوالقاسم؛ جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۹۱)، رابطه خداآگاهی با خودآگاهی، روان‌شناسی دین، ۵(۳)، ۲۲-۷.
۳۸. یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۰)، روان‌شناسی و دین (ترجمه فؤاد روحانی)، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
39. Ardel, M. 2003. Empirical Assessment Of A Three-Dimensional Wisdom Scale. *Research On Aging*, 25(3), 275 - 324.
40. Ardel, M. (2004). Wisdom as expert knowledge system: A critical review of a contemporary operationalization of an ancient concept. *Human development*, 47(5), 257-285-
41. Ardel, M. 2008. Being Wise At Any Age. In S.J. Lopez (Ed.), *Positive Psychology: Exploring The Best In People. Volume 1: Discovering Human Strengths* (Pp. 81-108-). Westport, CT: Praeger.
42. Ardel, m. (2011). Wisdom, age, and well-being. In k. W. Schaie & s. L. Willis (eds.), *handbook of the psychology of aging*. Ap: academic press.
43. Clayton, V. P., & Birren, J. E. (1980). The development of wisdom across the life span: A reexamination of an ancient topic. *Life-span development and behavior*, 3, 103-135-
44. Clayton, V.P. & Birren, J. E. 2005. The Development Of Wisdom Across The Lifespan: Arexamination Of An Ancient Topic. In: Baltes P.B. & Brim, O.G. (Eds). *Life-Span*.
45. Desi, d., & rodelando, o. (2017). Levels of moral intelligence virtues and wisdom development among selected filipino working adults. *The bedan journal of psychology*, 1, 6166- ,dimensions and education. *Innovation in aging*, 2(suppl 1), 55.
46. Geyer, A. L., & Baumeister, R. F. 2005. Religion, Morality, And Self-Control: Values, Virtues, And Vices. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.) , *Handbook Of The Psychology Of Religion And Spirituality* (P. 412-432). The Guilford Press.
47. Glück, J., & Bluck, S. (2013). The MORE life experience model: A theory of the development of personal wisdom. *The scientific study of personal wisdom: From contemplative traditions to neuroscience*, 75,97-

48. Gugerell, S. H., & Riffert, F. (2011). On Defining "Wisdom": Baltes, Ardel, Ryan, and Whitehead. *Interchange*, 42, 225-259.
49. Holliday, S. G., & Chandler, M. J. (1986). Wisdom: Explorations in adult competence. *Contributions to Human Development*, 17, 100. In Krueger JI, (Editor). *Frontiers In Social Psychology. Social Judgment*.
50. Lucia, a. (2013). Wise religiosity: the relationship between religiosity and wisdom moderated by personality traits. *Studia psychologica*, 55(3), 181194-.
51. Pilarska, Roy F & Baumeister, 2018, Psychometric Properties and Correlates Of The Polish Version Of The Self-Control Scale (Scs), *Polish Psychological Bulletin* 2018, Vol. 49(1) 95-106.
52. Ruise, I, 2005, Wisdom's Role In Interactions Of Affects And Cognition, *Studia Psychologica*, V. 47, A. 277-Scale. *Research On Aging*, 25, 275324-.
53. Schnitker, S. A., & Emmons, R. A. (2017). The Psychology Of Virtue: Integrating Positive Psychology And The Psychology Of Religion. *Psychology Of Religion And Spirituality*, 9(3), 239241-. [Http://Dx.Doi.Org/10.1037/Rel0000133](http://Dx.Doi.Org/10.1037/Rel0000133).
54. Smith, m. C. (2012). The relationships among cognitive, spiritual and wisdom development in adults. Doctor thesis of philosophy, cleveland state university.
55. Tabachnick, b. G., & fidell, l. S. (2013). *Using multivariate statistics* (6th ed.). United states of america: pearson education, inc.
56. Tangney, J. P., Baumeister, R. F., & Boone, A. L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *Journal of personality*, 72(2), 271.324-
57. Torrance, D. (2015). *Practical Wisdom and the Pursuit of the Good in the Good Life*.
58. Wink, P., & Staudinger, U. M. (2016). Wisdom and psychosocial functioning in later life. *Journal of personality*, 84(3), 306.318-
59. Zacher, H., & Staudinger, U. M. (2018). Wisdom And Well-Being. In E. Diener, S. Oishi, & L. Tay (Eds.), *Handbook Of Well-Being*. Salt Lake City, UT: DEF Publishers. DOI: Nobascholar.Com.


 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی